

**یکشنبه 2 آبان 15 ذي القعدة 24 اکتبر**

آغاز جشنواره عکاظ در عصر جاهلیت ...

**آغاز جشنواره عکاظ در عصر جاهلیت**

در عصر جاهلیت و پیش از ظهور دین مبین اسلام، بازارهایی موقت و سرپایی در برخی از نواحی جزیره العرب برگزار می شد و عرب های مناطق مختلف، در آن ها گرد آمده و به داد و ستد می پرداختند. مانند بازار عدن [در جنوب یمن]، از اول تا دهم ماه مبارک رمضان؛ بازار صنعاء [در شمال یمن]، از نیمه ماه مبارک رمضان تا آخر آن؛ بازار رابیه [در حضرموت]، بازار عکاظ [در نجد] و بازار ذی مجاز [در مکه] و بازارهای دیگر.

این بازارها، گرچه در لغت عربی به "سوق" و "اسواق" تعبیر شده است، که معادل فارسی آن، "بازار" و "بازارها" است، ولیکن در عمل، برخی از آن ها از داد و ستد بازرگانی معمولی، که هدف اولی و اصلی آن ها بود، فراتر رفته و به محل هنرنمایی، شعر خوانی و تفاخر قبیله ای و طایفه ای تبدیل شده و در واقع، جشنواره سالانه عرب ها بودند.

بازار عکاظ، که از مهمترین بازارهای سالانه عرب ها بود، از همین طیف بود. این بازار، بزرگترین بازار و یا بزرگترین جشنواره سالانه عرب ها بود که قبیله های بزرگ جزیره العرب، مانند قریش، هوازن، بنی حارث، بنی عضل، بنی دیش، بنی حیا و بنی مطلق و گروه هایی دیگر از قبایل و طوایف، در آن حضور می یافتند.

جشنواره عکاظ، از پانزدهم تا آخر ذی قعدة و به قولی از اول تا هشتم ذی قعدة، در هر سالی برگزار می گردید. برخی از طوایف و قبایل عرب، مانند بنی اسد، بنی طی، بنی بکر و گروهی از بنی عامر، ایام برگزاری بازارهای سالانه را، برای زورگویی، ستم گری و اجحاف بر دیگران، مباح و روا می دانستند و به محلیت [یعنی حلال کنندگان حرام الهی] شهرت یافتند، ولی در برابر آنان، برخی از طوایف و قبایل دیگر، مانند بنی عمرو بن تمیم، بنی حنظله و گروهی از هذیل، بنی شیبان و بنی کلب، این رویه را محکوم کرده و خود را برای یاری ستم دیدگان و محرومان آماده می کردند و با پوشیدن لباس های رزمی و گرفتن سلاح، از هر گونه اباحه گری، فتنه انگیزی و افسار گسیختگی محلیتین جلوگیری می کردند. این گروه، "ذاده المحرمون" نامیده می شدند.

**قتل عام بنی امیه در شام توسط سپاهیان عباسی در سال 132 هجری قمری**

مروان بن محمد بن مروان، معروف به مروان حمار، آخرین زمامدار بنی امیه بود که به مقام خلافت مسلمانان دست یازید. وی، پس از خلع ابراهیم بن ولید در صفر سال 127 قمری، از مردم برای خویش بیعت گرفت و تا محرم سال 132 در این منصب قرار داشت و در این زمان به دست انقلابیون عباسی کشته شد و به حکومت پنج ساله مروان و خلافت نود و چند ساله امویان پایان داده شد. سپاهیان بنی عباس پس از فتح شهرهای مختلف، به سوی دمشق رسپار شده و آن را در محاصره خویش گرفتند. پنجاه هزار تن از مدافعان اموی، به فرماندهی ولید بن معاویه بن عبدالملک بن مروان، در برابر مهاجمان بی شمار عباسی به فرماندهی عبدالله بن علی بن عبدالله بن عباس قرار گرفتند و نبرد سنگینی میان آنان به وقوع پیوست و سرانجام امویان متحمل شکست و اضمحلال شدند و عباسیان به قتل عام آنان پرداختند.

ابن ابی الحدید، در این باره گفت: و قتل عبدالله بن علی بدمشق خلقا کثیراً من اصحاب مروان و موالی بنی امیه و اتباعهم. آن گاه عباسیان به سوی رود ابي فطرس در اردن هجوم آوردند و در این مکان، که بازماندگان اموی، از جمله خانواده و کسان مروان حمار را که پناه گرفته بودند مورد تاخت و تاز خویش قرار داده و تعدادی از آنان را قتل عام کردند. صاحب وقایع الایام در این باره گفت: در این روز (15 ذی قعدة) سال 132، بنی عباس جمع کثیری از بنی امیه را در نهر اردن به قتل رسانیدند. پس از آن فرشی بر روی ایشان گسترانیدند و به طعام خوردن مشغول شدند، در حالی که بنی امیه ناله و اضطراب می نمودند و در تحت ایشان جان می دادند.

**بنای شهر سامرا توسط معتصم در سال 220 هجری قمری**

ابواسحاق، محمد بن هارون الرشید، معروف به "المعتصم بالله" [هشتمین خلیفه عباسیان]، پس از وفات برادرش مأمون عباسی، در سال 218 قمری، به خلافت رسید.

مقر حکومت عباسیان، از زمان منصور دوانقی تا زمان وی، شهر بغداد بود. ولی حضور سپاهیان خلیفه از نقاط مختلف اسلامی در بغداد، از جمله مغاربه [جنگجویان مصری و شمال آفریقا] و فراغنه [سرابازان سمرقند، فرغانه و خراسان] در مقر خلافت، مزاحمت های روزافزونی برای ساکنان این شهر به وجود می آورد و موجب نارضایتی آنان از سپاهیان خلیفه می گردید.

معتصم عباسی، تصمیم گرفت، پایتخت خود را از بغداد به مکانی دیگر انتقال دهد. بدین جهت در سال 219 قمری، احمد بن خالد، معروف به ابووزیر را مأموریت داد که به "قاپول" در 124 کیلومتری شمال بغداد رود و زمین های آن جا را برآورد و برانداز کند و آن ها را از صاحبانشان خریداری کند.

احمد بن خالد، آن مکان را برای تأسیس شهری جدید مناسب یافت و اراضی آن را از صاحبانش خریداری کرد و برخی از زمین های قاپول از مسیحیان بود و آنان را نیز ترغیب به فروش زمین هایشان کرد.

وی، مقدمات ایجاد یک شهر بزرگ را فراهم کرد و سپس به بغداد برگشت و معتصم را از وضعیت قاپول باخبر گردانید. معتصم، در پانزدهم ذی قعدة سال 220 قمری به همراه خانواده، دبیران، درباریان، قضات و فرماندهان انتظامی و نظامی وارد قاپول شد و بنای انواع ساختمان ها را در آن جا آغاز کرد و برای خود، در کنار رود دجله، کاخ مجلل و زیبایی بنا کرد و آن را "جوسق" نامید. وی در آبادانی این شهر تلاش زیادی نمود و سرمایه داران و صاحب مناصب را به آبادی و عمران آن بسیار ترغیب و تشویق کرد و سرانجام در سال 221 قمری رسماً در آن سکونت گزید. از آن هنگام، این شهر "دارالخلافة" عباسیان گردید و معتصم آن را "سرّ من رای" [یعنی: هر کسی مرا ببیند، مسرور و خوشحال گردد] نامید ولی مردم، آن را مختصر و کوتاه کرده و "سامرا" نامیدند.

درگذشت &#171; ابن فاجر» در سال 500 هجری قمری

&#171; ابن فاجر» نحوی و لغوی بزرگ در سال 500 هجری قمری در بغداد درگذشت. او پس از سالها مطالعه در نحو، لغت و همچنین حدیث استادی توانا شد و شاگردان بسیاری بدور خود گردآورد. بطوریکه حتی اهل یمن نیز از دانش او بهره بردند. شیوه نگارش ابن فاجر بنا برگرفته ابن مکتوم مبتنی برنثری مکلف و آمیخته با صنایع لفظی است. از جمله آثار این نحوی بزرگ که خطی زیبا داشت کتابهای &#171; المَعْلَم در نحو، نحو الصّرف و شرح الالف و اللام مازنی» را می توان نام برد.

تولد ابنُ القفّ فیلسوف و طبیب برجسته عرب در سال 630 هجری قمری

ابنُ القفّ فیلسوف و طبیب برجسته عرب در سال 630 هجری قمری در کربلا اردن دنیا آمد. وی تحصیلاتش را با مطالعه فنون اولیه و اساسی علم طب و کتابت تقدّمه المعرفة اثربقراط آغاز کرد. پس از آن آثار رازی دانشمند و کاشف ایرانی را مطالعه کرد و در زمینه معالجه امراض و علل و علائم آنها و طبقه بندی بیماریها تحقیقات جامع و گسترده ای انجام داد. ابنُ القفّ برای ادامه تحصیل به دمشق رفت و حکمت طب، فلسفه و ریاضیات را آموخت. ابنُ القفّ از فعالترین مدرّسان و مؤلفان عصر خود بشمار می رفت. از آثار او کتاب العمدّة را می توان نام برد. این کتاب مفصل ترین کتاب قرون وسطی در باب جراحی است. در این کتاب پیوند حیاتی میان شریانها و وریدها و جریان خون میان آنها تشریح شده است. جامعُ القرض دیگر اثر ابنُ القفّ درباره جنین شناسی، دوران رشد کودک، چگونگی رفتار با نوزاد و پرستاری از کودک است.

درگذشت آیت الله میرزا جواد آقا تهرانی در سال 1368 هجری شمسی

آیت الله میرزا جواد آقا تهرانی از مدرّسان برجسته حوزه علمیه مشهد و معلم اخلاق در سال 1368 هجری شمسی درگذشت. ایشان با ره توشه ای از زهد، تقوی، عرفان و جهاد دارفانی را وداع گفت. این عالم فرزانه پس از تحصیل در تهران و نجف اشرف به مشهد مقدّس عزیمت کرد و بیش از 40 سال از عمر خویش را در حوزه علمیه این شهر سپری کرد. آیت الله تهرانی به تفسیر و تدریس اصول و اخلاق اسلامی پرداخت و جمع زیادی از فضلا از منبع علم و عرفان او استفاده کردند. &#171; میزانُ المطالب؛ عارف و صوفی چه می گویند؛ فلسفه بشری و اسلامی و آئین زندگی در اخلاق اسلامی از جمله آثار متعدد آیت الله تهرانی می باشند.